

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

برگردان از: جاوید  
۱۹ سپتمبر ۲۰۱۴

## هیچ کسی برای محکومیت حملات تروریستی علاقه مند نیست

مصاحبه با "پُل شرییر" در باره نقش رسانه ها در درگیری های اوکراین ، وضدیت در برابر روابط ترانس اتلانتیک و مقاومت در حال رشد در برابر گزارش های یک جانبه



روزنامه نگاران در محل سقوط طیاره مسافر بری مالیزیا ( پرواز شماره ۱۷) در منطقه دونتسک از بکس ها و بقایای اجساد قربانیان ۱۹ جولائی ۲۰۱۴ فیلمبرداری می کنند

" پُل شرییر " نویسنده و روزنامه نگار مستقل است . اوچندین کتاب در باره حملات ۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱ منتشر کرده است و هم چنان یک بحث عمومی را با یکی از کارمندان کمیسیون رسمی ۱۱/۹ را رهبری کرده است

سؤال : آقای شرییراز چه زمان و توسط کی این متمم "درک کنندگان پوتین " برای اولین بار مورد استفاده قرار گرفت و این اصطلاح در سطح تحلیلی بحث در مورد جنگ اوکراین چه کار بردی دارد ؟  
شرییر: اصطلاح " درک کنندگان پوتین "بیشتر از ۱۰ سال است که در رسانه های المان در گردش است به هر صورت تقریباً از زمانی که ولادیمیر پوتین در روسیه حکومت می کند .  
به علاوه چیز های دیگر این اصطلاح در سر مقاله که توسط سر دبیر اشپیگل "کرسیتیان نف " تحت عنوان "تکبر درک کنندگان پوتین " تحریر گردید مورد استفاده قرار گرفت که باعث معروفیت مزید این اصطلاح گردید .

از آن زمان این کلمه خودش باعث تداوم خود گردیده اما مشکل این است که این کلمه چه باری را با خود حمل می کند و چه رامی خواهند بازگوکنند، شما اجازه ندارید کسی مثل پوتین را اساساً درک کنید . آیا این قابل سؤال است که چرا نه باید کسی پوتین را درک نکند ؟

از آن جایی که ابراز شناخت به معنی موافقت و یا پذیرش به طور اتومات نیست بنابراین درک مرتبط است با تغییر در زاویه دید و توانایی است ذهنی که بالای فرد برای درک انگیزه های طرف اثر گذاشته و باعث همدردی و دلیلی برای درک می گردد.

و اگر در صورتی که کسی دیگران را درک نتواند و درک کردن امکان پذیر نباشد و ممنوعیت برایش برقرار گردد در این صورت ایندولوژی و توهم حاکم می گردد. تا جایی که مربوط به سطح کنونی بحث است باید برای این طرز دید و طرز تفکر ابراز تأسف کرد.

**سؤال : آیا می توانید توضیح دهید که با وجودی که مردم المان مخالف سر و صدای تبلیغاتی هستند آیا این امر دلیلی مناسبی نیست تا رسانه ها محتاطانه تر گزارش دهند ؟**

**شریبر:** بسیاری از استفاده کنندگان رسانه ها پوشش مداوم گزارش ها در باره پوتین و اوکراین را هم اکنون واقعاً به عنوان تبلیغات ارزیابی می کنند ، و این را از تبصره های انتقادی تعداد بیشماری از خواننده ها تشخیص کرده می توانیم روزنامه نگاران زیادی از رسانه های اصلی در همان اوایل در ارزیابی های خود جایگاه بین "خوب" و " بد " در درگیری های اوکراین را تعیین کردند . و از این حالت بدون از دست دادن موقعیت و وجه خود اکنون بیرون رفته نمی توانند .

لحن و طعن درشت برخی همکاران ما برای خواننده تا حدودی توضیح می دهد که هر نوع انتقادی را در باره کار خود، یا ناموجه و یا حتا " کنترل شده از طرف مسکو " می بینند . بحث واقعاً به نقطه عجیب و غریبی وارد گردیده .

**سؤال : دلیل واقعی برای درگیری بین روسیه و ناتو چیست؟**

**شریبر:** پس زمینه های جغرافیای سیاسی این رویارویی چیزی پت و پنهان نیست و کاملاً آشکار است . اتحادیه اروپا می خواهد از طریق اقدامات خاص و با فشار در معاهدات بین المللی خدشه وارد کند . ایالات متحده امریکا می خواهد از بحران موجود بهره برداری کند و اتحادیه اروپا و روسیه را در برابر یک دیگر قرار دهد و در راه همکاری مورد علاقه هر دو طرف که منافع هر دو جهت را تضمین کند موانع ایجاد و در راه شان سنگ اندازی کند .

قدرت های بزرگ برای به دست آوردن ساحه نفوذ مثل همیشه باهم به رقابت می پردازند ، ترس کرملین در این جا قبل از همه به خاطر نفوذ و پیشروی ناتو است که مستقیماً تا سرحدات روسیه خود را نزدیک کرده اند .

شما وضعیت معکوس را تصور کنید که اگر پوتین از یک دولت کودتائی در مکزیک حمایت می کرد و دولت مورد حمایت پوتین در شهرستان های نزدیک سرحدات کالیفرنیا راکت و بمب پرتاب می کردند که در آن جا جدائی طلبان طرفدار امریکا در استحکامات خود را پنهان ساخته بودند، چه می شد ؟

پس مطمئناً براین اساس اوپاما با تحریم ها مورد مواخذه قرار می گرفت چرا که او حاضر به عقب نشینی نیروهای نظامی خود از منطقه سرحدی نبود و از برگشت امتناع می کرد. تماماً مانند مریضان شیزوفرنی عمل شان تداعی کننده کاری ست که خودشان در اوکراین انجام می دهند.

### سؤال : شورای اتلانتیک در این درگیری چه نقشی دارد

**شریبر:** " شورای اتلانتیک " را نباید با " شورای اتلانتیک شمالی - ناتو " اشتباه گرفت ، شورای اتلانتیک یک سازمان لابی و در عین زمان سازمان نسبتاً نا شناخته اما در حال حاضر مرکز بسیار مهم کنترل و هدایت به شمار می رود.

در این جا به طور منظم ملاقات های سیاسی سهامداران بخش خصوصی غرب بر گزار می گردد و این یکی از مکان هائی است که در آن مشترکاً و به اتفاق نظر سیاست خارجی روز را فرموله می کنند .

### سؤال : شما در کتاب جدید تان این ساختار را که بالاتر از دولت ها است، توصیف کرده اید . آیا این وصف اغراق آمیز و بیش از اندازه نیست ؟

**شریبر:** تأمین مالی شورای اتلانتیک بسیار جالب است، حامیان مالی شان این ها هستند ، ایرپوس، غول نفتی شورون، بانک المان، غول تسلیحات لاکهید مارتین ، و هم چنان به طور رسمی دولتهای ایالات متحده امریکا ، انگلستان ، سویدن، کویت و امارت متحده عربی شامل حامیان مالی شورای اتلانتیک هستند .

به علاوه شورای اتلانتیک به طور مستقیم از ناتو و کمیسیون اروپا پول دریافت می کند و هم چنین صاحبان رسانه های مهم در هیأت مدیره شورا عضویت دارند مانند **پلومبرگ** شهردار نیویارک رئیس مؤسسه اخبار اقتصادی و غول رسانه ها **روبرت مرداک** . ستاد رهبری شورا در واشنگتن قرار دارد .

در ماه جون **اُرسولا فون دیر لاین** وزیر دفاع المان در مقابل شورای اتلانتیک حاضر گردید تابه سؤالات اهداء کنندگان پول و سخنرانان شان گوش دهد .

در ماه اپریل ، **ماتوئل پاروسو** رئیس اتحادیه اروپا جایزه ای از رئیس هیأت مدیره شورا و میلیاردر **جان هانتسمن** دریافت کرد با دلیل و توجیه رسمی که « وی رهبری است که همه چیز را به خوبی انجام می دهد »

**انگلامرکل** صدراعظم المان توسط گفتار ویدیویی به مدح **پاروسو** پرداخت . این تصور و برداشت وجود دارد که سیاستمداران در این شبکه تنها نقش های اختصاصی خود را بازی می کنند ، که به سادگی نمی توانند به آن دست رد بزنند .

### سؤال: اهداف " شورای اتلانتیک " چیست و چرا سیاستمداران اجازه می دهند که از آن ها مانند ماریونت (کدی)های مطیع استفاده گردد؟

به گفته خودشان "شورای اتلانتیک" می خواهد رهبری سازنده در امور بین المللی را به وجود بیاورد که با دقت رهبران آگاه و اصلی را جذب نموده به اطلاع شبکه با نفوذ و منحصر به فرد شان رسانیده تا در آن ادغام گردد. رسماً در این مورد صحبت از یک " جهان امن و مرفه " است .

"شورای اتلانتیک" در حال حاضر یگانه گروه لابی از نوع خود نیست که ظاهراً فقط از بهترین ها و برای همه قابل پذیرش باشد اما فعلاً شورا از جمله با نفوذترین و مطمئن ترین در بین دیگران است . دقیقاً به همین دلیل بسیاری از سیاستمداران طبعاً همراه شان در بازی سهم می گیرند .

کسی که تسلیم گردد و در بین شان برای خود جا باز کند بعداً به درستی از وی مواظبت به عمل می آید و صاحب امکانات مالی می شوند و هیچ مشکلی برایشان ایجاد نمی گردد. **پاروسو** را نگاه کنید یک جایزه خوب و با ارزش و شناخت اجتماعی در سطح نخبگان .

**سؤال: الحاق اوکراین به غرب مردم را مجبور می سازد قیمت آن را با ریاضیت اقتصادی و موج لیبرالیستی پرداخت کنند. چه گونه یک بخش مرتبط به آن وقسماً عده ای از آن ها با زور اسلحه برای فقیر ماندن خود مبارزه می کنند؟**  
**شریبر:** کسانی که در غرب از ناسیونالیست های غرب اوکراین پشتیبانی می کنند می خواهند از احساس نا سازگاری موجود درون اوکراین و ایجاد دشمنی ها استفاده کنند.

بخش راست از دیدگاه خود هیچ گاه برای کاهش هزینه های رفاهی در کشور خود مبارزه نمی کند و نتیجه منطقی و قریب الوقوع آن تطبیق برنامه های صندوق بین المللی پول می باشد - آن ها نه به خاطر رفاه بلکه در برابر دشمن تاریخی خود در شرق مبارزه می کند و مردم را علیه همدیگر تحریک می کنند.

**سؤال: چه نقشی را توافقنامه همکاری اتحادیه اروپا بازی می کرد که توسط رئیس جمهور اسبق اوکراین ویکتور یانوکویچ رد گردید؟ و کدام اهداف را اتحادیه اروپا می خواست با آن دنبال کند؟**

**شریبر:** موافقتنامه همکاری در واقع علت بحران بود. اوکراین را مجبور می ساخت یک طرف را انتخاب کند یا روسیه یا اتحادیه اروپا. این را می توان یک خطا توصیف کرد اما اصلاً این رویارویی قصدی بود. پرسش اساسی این است، که نخبگان اتحادیه اروپا به نفع کی در این جا عمل می کنند به خاطر این که اوکراین به عنوان یک کل در واقعیت برای اتحادیه اروپا باری اضافی است و در این مورد همه توافق نظر دارند.

**سؤال: آیا در این جا به خاطر منافع خود امریکا هم در این بازی سهم می گیرد؟**

**شریبر:** "ویکتوریا نولند" که به علاوه امور دیگر مسوول اوکراین در وزارت خارجه امریکا است، در سخنرانی سال گذشته خود به وضاحت گفت که الحاق اوکراین و هم چنان مولداویا و کشور های دیگر بخشی از ستراتیژی بلند مدت ماست که در شبکه اقتصادی منطقه ئی باهم وصل گردند. چرا که در نهایت آن ها به منطقه تجارت آزاد ترانس اتلانتیک تعلق دارند.

به گفته نولند ایالات متحده امریکا در بیست سال گذشته برای ضمیمه ساختن اوکراین پنج میلیارد دلار هزینه کرده است و همچنین برای گرجستان یک میلیارد دلار سرازیر گردیده است. روشن است که در این جا شرایط ارزان تجارت آزاد مدنظر نیست، بلکه گسترش حوزه قدرت سیاسی و ساحه نفوذ هم مورد نظر است.

**سؤال: پس به این صورت جنگ داخلی در اوکراین به نوعی مکمل نظامی تجارت آزاد در مذاکرات با اتحادیه اروپاست؟**

**شریبر:** درست است، که موفقیت نظامی کی یف در شرق اوکراین در حال حاضر به آن بسیار بستگی دارد. این صندوق بین المللی پول بود که در شروع سال بعد از انتخاب "پترو پروشونکو" به این نکته اشاره کرد که کمک مالی برای اوکراین بدون کنترل کی یف بر بخش های شرقی کشور به مقدار قابل توجهی گران تمام خواهد شد. فقط یک روز بعد از نشر این خبر کی یف در ۲ ماه می حمله بالای شهر سلویانسک را به راه انداخت.

**سؤال: چرا تا کنون در قضیه اوکراین ناتو و اتحادیه اروپا در طناب مشابه جنگ انداخته اند در حالی که هر کدام آن ها دارای منافع متفاوت هستند؟**

**شریبر:** از آن جایی که نخبگان اتحادیه اروپا چنانچه دیده می شود برای منافع اروپا کمتر از منافع دایره قدرت ترانس اتلانتیک ارجحیت قایل اند و آن را نمایندگی می کنند . در رسانه ها معمولاً از این دایره به نام حمایتگرا های "جامعه جهانی" یاد می شود و به همین نام نامیده می شوند، اما شما می توانید به لحن کمتر دوستانه از آنها به نام "امپراتوری" یاد کنید .

در اساس به این سبب ، که آیا المان یعنی دولت المان و هم چنین مردم المان زیاد تر از این حاضر هستند تک قطبی منحصر به فرد این دایره قدرت امپراتوری را تحمل کنند، که در واقع در مقابل جهان چند قطبی با مراکز رقابت جداگانه قرار دارد .

در واقع این دو قطب برای غنی سازی و تشویق همدیگر می تواند الهام بخش باشد ؟  
و چنین فرض و احتمال سوال اساسی ست چرا که عملاً این جهان چند قطبی در حال تکامل است اگر به میل و آشننگتن باشد یا نباشد. نشانه های آن را بنا بر آخرین گزارشات که طبق آن اکنون هند روسیه و چین در پیمان همکاری شانگهای گرد آمده اند، می توان دید .

تا حال ایالات متحده آمریکا از بی اعتمادی سنتی و رقابت بین هند و چین بهره مند گردیده بود . اما به روشنی با توجه به درگیری های مخرب و خونین و در حال گسترش در سوریه، عراق و اکنون در اوکراین برخی از قدرت های بزرگ دریافته اند، که جهان به یک نیروی تعادل و مصمم در مقابل ایالات متحده آمریکا نیاز دارد .

**سؤال : یک رویداد مهم برای "تغییر رژیم " در اوکراین فیلمبرداری قتل معترضان توسط تک تیر اندازان در اواسط ماه فیروزی صورت گرفت . شما این جنایت را چه گونه ارزیابی می کنید ؟**

**شریبر:** واضح است که تا کنون این جنایت غیر قابل توضیح باقی مانده است و رسوائی قضیه هم در همین رویداد نهفته است که برای توجیه تغییر رژیم همین جنایت و خشونت مورد استفاده قرار می گیرد اما به سادگی آن را بدون هیچ توضیحی کنار می گذارند . بنابراین هیچ مشروعیت و هیچ اعتباری برای رژیم جدید اوکراین باقی نمی گذارد و این یک شکست برای رسانه ها هم به شمار می رود .

پروگرام اول تلویزیون المان به طور مثال در برنامه مونیتور خود در ماه اپریل این مطلب واضح و این جنایت را به طور کامل و انتقادی به نام سوال تا کنون جواب نگفته مطرح کرد، اما پس از آن دوباره این مسایل از برنامه های شان گم گردید. چند هفته بعد در بخش مستند پروگرام اول تلویزیون المان سخن از شکی با دلایل ادعائی شان بالای **یانوکویچ** به ارتکاب این جرم گفته نشد .

لازم به توضیح و جروبخت نیست ، در ۲۰ فیروزی توسط تک تیر انداز های ناشناخته بالای هر دو طرف فیر های صورت گرفت هم بالای معترضان و هم بالای نیروهای امنیتی **یانوکویچ**.

و اکنون طوری که گفته می شود پروگرام اول تلویزیون المان یک تیمی ایجاد کرده تا در زمینه تحقیقاتی انجام دهد . این یک ستراتیژی مودیان و خاینانه ای بود، که به دو دشمن و دو اردوگاه متخاصم همزمان فیر هائی صورت بگیرد . و هرکدام آن ها ادعا کنند که از طرف مقابل زیر فیر قرار گرفته اند . تا مردم را به جوش بیاورند ، هرج و مرج و خشونت ایجاد کنند .

چه کسانی در پایان ماه فیروزی در زمانی که **یانوکویچ** در برابر **فرانک والتر اشتاین** وزیر خارجه المان و دیگر مذاکره کنندگان اتحادیه اروپا قول امتیاز های قابل توجهی را داده بود علاقه نداشتند تا آرامش برقرار گردد ؟  
چه کسی علاقه مند صلح میان **یانوکویچ** و اتحادیه اروپا نبود و از آن ممانعت می کرد ؟

**سؤال :** بعد از دستگیری ناظران سازمان امنیت و همکاری اروپا توسط شورشیان در شرق اوکراین در اوایل سال معلوم گردید که به عوض ناظران مشاوران نظامی غرب در آن جا فرستاده شده است . آیا این رویداد در رسانه های المانی نقشی بازی کرد؟

**شریبر:** در کتاب، خود من روی این مسأله تکیه کرده ام و از آن به عنوان مثالی از دستکاری در افکار عمومی توسط "جمله بندی" طوری که در زبان منجمت (بازاریابی) نام دارد ذکر کرده ام یعنی با مفاهیم الگوهای فکری خاص را انتقال می دهند .

اگر کسی ناظران سازمان امنیت و همکاری اروپا را بربایید، خود را طبعاً در برابر یک سازمان بین المللی قابل احترام قرار می دهد. اما این ناظران ربوده شده تمام شان نظامی بودند و در میان شان یک افسر ارتش المان هم موجود بود . حتی اگر اشتاین مایر وزیر خارجه از این همه پرگوئی خسته نگردد و هر قدر ادعا کند که آن ها ناظران بودند باید گفت "آن ها ناظران نه بلکه نظامیان بودند" .

از طرف دولت المان به سندی معروف به سند "وین" یا قرار دادسازمان امنیت و همکاری اروپا استناد می گردد که در آن فعالیت ناظران نظامی در خاک کشور های امضاء کننده تنظیم گردیده است اما در این حالت هم از برلین برای بازرسی پایگاه های نظامی دعوت نگردیده بود طوری که از سند "وین" می خواهند پایه و اساسی برایش ارائه دهند . بلکه کی یف از نظامیان خارجی دعوت به عمل آورده است بنا بر صواب دید خودش وضعیت در شرق اوکراین را روشن بسازد . در منطقه ای که با کی یف در حالت جنگ و درگیری نظامی قرار دارد . برای چنین حالتی قرارداد سازمان امنیت و همکاری اروپا بی معنی است این کار تنها جاسوسی یا مشوره دادن نظامی است هر آن چه می خواهید به آن نام دهید . رسانه های بزرگ به این موضوع اصلاً تماس نگرفتند تنها از نظر و موضع دولت سخن گفتند و خود را راضی نشان دادند .

**سؤال :** عکس العمل های رسانه ها در مورد سقوط پرواز شماره ۱۷ خطوط هوایی مالیزیا را چه گونه ارزیابی می کنید؟ در پشت تبلیغات ضد پوتین کدام حدس و گمان ها پنهان است ؟

**شریبر:** در سقوط پرواز شماره ۱۷ باردیگر سناریوی تک تیر اندازان میدان (میدان) منتها به شکل دیگری تکرار گردید . یک بار دیگر افراد غیر نظامی به قتل رسیده اند و بار دیگر صاف و ساده هیچ روشنگری جدی صورت نگرفته است . رسانه ها از یک رسوائی به رسوائی دیگر عجله می کنند و همیشه به صورت سریع مجرم را با انگشت خود نشان می دهند اما پس از آن با پژوهش و بررسی عمیق به صورت کامل شکست می خورند .

تیزس های شان که حدس و گمان در پشت آن نهفته است ، با این موارد آن را منسجم و قطعی می گردانند . این به هیچ صورت نمی تواند یک تصادف باشد که به طور ناگهانی هیچ کس برای محکوم کردن مجرم واقعی برای چنین حملات تروریستی علاقه نشان نمی دهد علاوه بر این ، چیزی را که من در ابتداء گفتم :

بسیاری از روزنامه نگاران اما نه به صراحت خود را موظف می دانند ، که یکی از طرف های منازعه را حمایت و یا کم از کم به صورت خیرخواهانه بالای شان تبصره کنند اما عده دیگر شان طرف مقابل را به عنوان دشمن در نظر گرفته و از این منظر بسیاری شان به صورت ساده از این ورطه ای که خودشان ایجاد کرده اند، بیرون شده نمی توانند . طوری که "گابور اشتاین گارد" در روزنامه مالی و اقتصادی نوشت نتیجه چنین است که طیف نظرات مانند تیرکش قلعه ها تنگ تر و باریک تر شده می رود

**سؤال : صدراعظم سابق "گرهارد شرودر" و وزیر خارجه سابق "جوزف فیشر" مدت زمان طولانی در عین خط**

**سیاسی نظامی قرار داشتند آیا می توانید عکس العمل های مختلف شان در درگیری های اوکراین را توضیح دهید ؟**  
**شریبر:** توضیح آشکار مطمئناً در منابع در آمد و چک های حقوق ماهانه شان قرار دارد شرودر در کنار گازپروم و فیشر لابی دولت امریکا و تحت حمایت مادلین آلبرایت وزیر خارجه سابق ایالات متحده امریکا . من فکر نمی کنم که آن ها واقعاً در سابق در یک خط بودند آن ها یک به دیگری نیاز داشتند و در غیر این صورت رقبای همدیگر بودند .

**سؤال: آیا می توانید در خاتمه ارزیابی تان را از وضعیت اوکراین که در آینده چه خواهد شد بگویند ؟**

**شریبر:** به هر صورت المان نقش کلیدی را بازی خواهد کرد. در کنار انگلستان ما مهم ترین متحد امریکا در اروپا هستیم کدام موقعیت را المان در این درگیری به دوش خواهد گرفت ، الگوئی برای دیگران خواهد بود. این که تا چه حد دولت فعلی برای حاکمیت بیشتر مایل و قادر است کسی نمی تواند تشخیص دهد . وزیر خارجه اشتاین مایر در این اواخر تأثیر خسته کننده ای از خود به جا گذاشته است و مرکل هم منفعلانه عمل می کند . یگانه فرد **اُرسلا فن دیر لاین** وزیر دفاع بی باکانه به جلو می تازد ، اما تا حدی زیادی در خط ترانس اتلانتیک ها ، تا چه حدی تشدید درگیری ها را به پیش خواهد برد. اما در سطح سیاسی یک قطب مخالف و فعال وجود دارد و این قطب شهروندان یعنی استفاده کنندگان رسانه ها هستند، که هم اکنون در تبصره ها و کامنت های خوانندگان صدای خود را بلند کرده اند . که به این زودی نمی خواهند سکوت کنند فشار و اتصال شان به احتمال زیاد رو به رشد است . درست است که فعلاً عواقب و پیامد سیاسی سریع و مستقیم را از آن ها نباید انتظار داشت اما در تغییر آگاهی نقش دارند و به آن کمک می کنند و انتقاد ممکن است باعث تحریک در طرف مقابل گردد .

**سؤال : شما به رغم اوضاع مخاطره آمیز ژئوپولیتیک نگاه مثبتی به آینده دارید ؟**

**شریبر:** در اصل وضعیت چنین است که ما در حال حاضر با مجموعه ای از اخبار منفی بمباران می شویم . در اخبار شب به نظر می رسد که تنها غیر از اخبار اوکراین ، عراق ، سوریه اخبار غزه و ان. اس. ای. و ان. اس. او. و بلا های طبیعی چیز دیگری وجود نداشته باشد و این اجتماع را به سوی فلج شدن سوق می دهد. این تثبیت شدید به سوی منفی گرائی و ظاهراً نا امید کننده پایه اساسی برای اعتقاد به "سرنوشت " می گردد. ما در زمان تحولات زندگی می کنیم که منفی گرائی زمانی به نهایت وحد اکثر خود می رسد . در حالی که در پس زمینه های این دوران حاضرتمایلات زندگی مترقی رشد می کنند . گرچه به سختی قابل مشاهده برای عموم و رسانه هاست ، اما وجود دارد و شاخصی است برای پایان بی حالی، همانطوری که گفته شد نظرات توده های حساس و نا راضی از زمان آغاز بحران اوکراین در اوایل سال سر آغاز آن است . در سال گذشته به آرامی و پیوسته در باره گزارش **سنودن** نا رضایتی عمومی شکل گرفته است ، گرچه تا هنوز فقط یک اقلیتی از مردم را در بر گرفته است اما به یک بارگی ظرفیت اعتراضی بیدار خواهد شد و دوباره نا پدید نخواهد شد. من به این تصورم که ما یک حالت چرخش را از سر می گذرانیم که درنگاه به گذشته نبرد افکار در باره اوکراین شاید یک بار به عنوان نکته کلیدی و سر آغاز دوران جدید در نظر گرفته شود .

06.09.2014 / Wochenendbeilage / Seite 1 (Beilage)